

PDF Compressor Free Version

قصه‌هایی برای فکر کردن اثر رابرت فیشر

را به تفکر انتقادی، گفت‌وگو و حتی فعالیت‌های خلاقانه مانند نقاشی، نمایش، نوشتن شعر یا مقاله وادارند. برخی داستان‌ها با الهام از قصه‌های



مشهور جهانی بازنویسی یا اقتباس شده‌اند و برخی دیگر باتوجه به نیازهای فرهنگی و تربیتی مخاطب ایرانی افزوده شده‌اند. در مجموع، کتاب فضایی فراهم می‌کند تا کودکان و نوجوانان نه تنها با روایت‌های جذاب سرگرم شوند، بلکه به پرسشگری، استدلال و بیان دیدگاه‌های خود نیز تشویق شوند.

رابرت فیشر متولد ۱۹۴۳، استاد پیشین آموزش در دانشگاه برونل بوده و علاقه‌ی ویژه‌ای به آموزش فلسفه به کودکان داشته است. او بیش از ۲۰ سال در مدارس بریتانیا، آفریقا و هنگ کنگ تدریس کرده و تجربه‌ی گسترده‌ای در آموزش عملی و نظری کسب کرده است. رابرت فیشر بیش از ۳۰ کتاب در زمینه‌ی آموزش منتشر کرده است.

کتاب قصه هایی برای فکر کردن (Stories for thinking)، نوشته رابرت فیشر و ترجمه علی صاحبی، مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه و آموزنده است که نشر اسباب آن را منتشر کرده است. این کتاب با هدف تقویت مهارت‌های تفکر، پرسشگری و رشد شناختی و هیجانی کودکان و نوجوانان گردآوری شده و دربردارنده‌ی ۳۱ قصه با مضمون‌های متنوع است. هر داستان با پرسش‌هایی برای تأمل و گفت‌وگو همراه شده تا مخاطب را به اندیشیدن درباره‌ی مفاهیم اخلاقی، اجتماعی و فلسفی ترغیب کند. ساختار کتاب به‌گونه‌ای طراحی شده که هم برای مطالعه‌ی فردی و هم برای فعالیتهای گروهی در کلاس یا خانه مناسب باشد.

کتاب با مقدمه‌ای درباره‌ی اهمیت قصه در رشد شناختی و هیجانی آغاز و سپس وارد مجموعه‌ی ۳۱ داستان کوتاه می‌شود که هر کدام به موضوعی خاص می‌پردازند. داستان‌ها از فرهنگ‌ها و جغرافیاهای مختلف انتخاب شده؛ از افسانه‌های یونانی و هندی گرفته تا روایت‌هایی از ادبیات فارسی و روسی. هر قصه با یک مضمون کلیدی مانند خشم، حقوق حیوانات، زیبایی، حرص و آز، ارواح، خوش‌شانسی و بدشانسی، خیر و شر، قلدری و... همراه است. پس از هر داستان، دو بخش پرسش‌محور ارائه شده؛ یکی برای تأمل در خود داستان و دیگری برای اندیشیدن درباره‌ی مضمون اصلی آن. این پرسش‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که مخاطب

در شرایط جنگی و در حالی حاصل شده که آموزش‌ها به صورت مجازی دنبال می‌شد و کلاس‌ها حضوری نبودند، ادامه داد: این دستاوردها نشان می‌دهد که می‌توان با برنامه‌ریزی و تلاش، مسیر ارتقای کیفیت آموزشی را حتی در شرایط دشوار ادامه داد.

وزیر آموزش و پرورش با اشاره به موفقیت دانش‌آموزان ایرانی در رقابت‌های علمی بین‌المللی گفت: در تاریخ جمهوری اسلامی ایران مجموع مدال‌های طلای کسب‌شده در این رقابت‌ها ۱۱ مدال بود، اما امسال دانش‌آموزان کشور موفق به کسب ۱۸ مدال طلای جهانی شدند. دانش‌آموزان ایرانی در مسابقات ورزشی نیز بیش از ۱۳۱ مدال رنگارنگ کسب کردند که این موفقیت‌ها حاصل سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و تلاش برای ارتقای کیفیت است.

کاظمی با اشاره به برنامه‌های این وزارتخانه در حوزه‌های مختلف اظهار کرد: در زمینه توسعه عدالت آموزشی، ارتقای کیفیت آموزش، فعالیت‌های پرورشی و تحول در برنامه درسی اقدامات و برنامه‌های ویژه‌ای در دستور کار قرار گرفته است.

وزیر آموزش و پرورش:

افزایش میانگین معدل نهایی دانش آموزان

و هنرستان‌ها، زمینه‌ساز اجرای برنامه‌هایی برای ارتقای کیفیت آموزش شده است.

وی با اشاره به اجرای پویش جهادهای علمی و الگوگیری از



مدرسه البرز ادامه داد: نزدیک به ۱۵۰۰ مدرسه شبانه‌روزی در قالب این پویش فعالیت می‌کنند که هدف آن ارتقای سطح علمی دانش‌آموزان و بهبود عملکرد تحصیلی آنان است. کاظمی با اشاره به نتایج این اقدامات در امتحانات نهایی بیان کرد: میانگین معدل نهایی دانش‌آموزان در سراسر کشور به طور متوسط ۱/۱۵ نمره ارتقا پیدا کرده است.

وی با تأکید بر اینکه این پیشرفت‌ها

علیرضا کاظمی وزیر آموزش و پرورش در مراسم بهره‌برداری متمرکز از طرح‌های آموزشی و پرورشی با اشاره به توسعه مدارس شبانه‌روزی اظهار کرد: توسعه این

مدارس به‌ویژه در مناطق عشایری
مورد توجه قرار گرفته و امروز
مدرسه شبانه‌روزی عشایر از ۱۵۷
به ۱۷۹ مدرسه ویژه دانش‌آموزان
عشایر رسیده است.

وزیر آموزش و پرورش با بیان اینکه سرانه‌های آموزشی کشور بیش از ۶ برابر شده است، این روند را از دستاوردهای توسعه آموزش و پرورش دانست و گفت: توسعه زیرساخت‌های آموزشی

نسل جدید از دین فراری اند یا از اجبار؟

عنوان مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها، بلکه به عنوان حقیقتی عقلانی، فطری و پاسخ‌گو به نیازهای عمیق انسان معرفی کنیم؛ به گونه‌ای که جوان احساس کند دین را «انتخاب و فهم» کرده است، نه اینکه صرفاً آن را به او «تحمیل» کرده‌اند.

اگر مسئله نسل جدید بیشتر با «روایت قدیمی دین» باشد تا اصل دین، تغییر این روایت تا کجا ممکن و مشروع است؟ آیا می‌توان زبان، شیوه تبلیغ و نحوه مواجهه با مسائل جدید را تغییر داد، بدون آنکه در اصول و هویت دین تغییری ایجاد شود؟ و اساساً برای بازسازی رابطه جوان امروز با دین، از کجا باید شروع کرد؟

به نظر می‌رسد پیش از پاسخ به این پرسش، باید مشخص شود که منظور از «روایت قدیمی دین» دقیقاً چیست؛ زیرا این تعبیر می‌تواند معانی متفاوتی داشته باشد. اگر مراد، اصول و مبانی اعتقادی و احکام قطعی و ثابت دین باشد، طبیعتاً تغییر این اصول به بهانه

شواهد و تجربه‌های اجتماعی نشان می‌دهد جوانان از اصل ایمان و معنویت فاصله گرفته‌اند، یا بیشتر با شکل خاصی از دینداری و روایت رسمی و سنتی دین مسئله دارند؟

جوان امروز بیش از آنکه نیازمند تحمیل باشد، نیازمند گفت‌وگو، اقناع، فهم و تجربه آگاهانه دین است. به اعتقاد من، انسان بر اساس فطرت الهی خود هیچ‌گاه از معنویت و نیاز به ارتباط با امر متعالی بی‌نیاز نمی‌شود و جوان امروز نیز از این قاعده مستثنی نیست. بنابراین اگر با کاهش استقبال برخی جوانان از مظاهر دینداری مواجه هستیم، نباید بلافاصله این مسئله را به معنای بی‌نیازی یا بی‌اعتقادی آنان نسبت به معنویت تفسیر کنیم؛ بلکه باید در نوع مواجهه و شیوه ارائه دین به نسل جوان تأمل کنیم.

جوان امروز بیش از آنکه نیازمند تحمیل باشد، نیازمند گفت‌وگو، اقناع، فهم و تجربه آگاهانه دین است. از این رو، باید تلاش کنیم دین را نه صرفاً به

فاصله نسل جدید از دین، بیش از آنکه لزوماً به معنای گسست از ایمان و معنویت باشد، می‌تواند ناشی از چالش با شیوه‌های سنتی دینداری و نحوه ارائه معارف دینی باشد. تحمیل باورها، روایت‌های غیربستند و ضعف در پاسخ‌گویی به پرسش‌های اعتقادی، از جمله عواملی هستند که ممکن است جوانان را از نهادهای دینی دور کنند. از سوی دیگر، تأکید بر انتخاب شخصی، تجربه نوعی دینداری گزینشی را تقویت کرده و گسترش شبکه‌های اجتماعی، مرجعیت معرفتی سنتی را با چالش مواجه ساخته است. بازسازی این رابطه، نیازمند شناخت دغدغه‌های نسل جدید، گفت‌وگوی عقلانی، اعتبارسنجی منابع و تولید محتوای دینی متناسب با زبان و نیازهای امروز است. در همین راستا، پایگاه فکر و فرهنگ مبلغ در گفت‌گویی با حجت‌الاسلام یونس یختی، مسئول دفتر نمایندگی ولی‌فقیه در سازمان جوانان جمعیت هلال‌احمر به بررسی ابعاد و جزئیات این موارد پرداخته است.

وقتی گفته می‌شود «نسل جدید از دین فاصله گرفته»، دقیقاً از چه چیزی صحبت می‌کنیم؟ آیا

اقتضائات زمان قابل طرح نیست. اما اگر مراد، شیوه بیان، ادبیات تبلیغی، قالب‌های ارتباطی، روش انتقال مفاهیم و نحوه مواجهه با مسائل و پرسش‌های جدید باشد، این حوزه قابلیت بازنگری و تحول جدی دارد. به تعبیر دیگر، باید میان ثوابت دین و شیوه عرضه و تبیین دین تفکیک کرد. تغییر در ابزار، زبان و روش انتقال پیام، لزوماً به معنای تغییر در محتوا و هویت دین نیست. همان‌گونه که اصل یک پیام می‌تواند ثابت بماند، اما شیوه ارائه آن متناسب با شرایط مخاطب، زمان و اقتضائات فرهنگی تغییر کند.

اما درباره بازسازی رابطه نسل جدید با دین، به نظر نمی‌آید کار را با حدس و گمان آغاز کرد. نخست باید یک مطالعه دقیق و واقع‌بینانه از نسل جدید انجام شود؛ یعنی مشخص شود مهم‌ترین دغدغه‌ها، پرسش‌ها، شبهات و مسائل ذهنی جوان امروز چیست و در چه حوزه‌هایی بیشترین فاصله یا چالش میان او و نهاد دین ایجاد شده است.

مرحله دوم، شناخت نظام مصرف فرهنگی و رسانه‌ای این نسل است. باید بررسی شود که چه قالب‌هایی بیشترین اثرگذاری را بر مخاطب دارند؛ فیلم و سریال، انیمیشن، موشن‌گرافیک، داستان مصور، پادکست، محتوای کوتاه شبکه‌های اجتماعی یا قالب‌های دیگر. در واقع، پیش از تولید محتوا باید بدانیم مخاطب کجاست، چه چیزی می‌بیند و با چه قالبی بهتر ارتباط برقرار می‌کند.

پس از این مرحله، باید کارگروه‌های تخصصی و واقعاً تخصصی تشکیل شود؛ نه صرفاً جلساتی متشکل از افراد اداری یا کسانی که صرفاً با موضوع دین آشنا هستند. در این کارگروه‌ها باید در کنار متخصصان علوم دینی، از کارشناسان جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، ارتباطات، رسانه، هنر، فیلم‌سازی، انیمیشن، داستان‌نویسی و بازاریابی دیجیتال نیز استفاده شود. مسئله، یک مسئله چندرشته‌ای است و طبیعتاً راه‌حل آن نیز نمی‌تواند تکررشته‌ای باشد. محتوای دینی صرفاً تولید نشود، بلکه به مخاطب واقعی برسد و در فضای رقابتی رسانه‌ای دیده و مصرف شود.

[illegible][illegible]

تاريخ انتشار بوب لور: 14/05/2009
 تاريخ انتشار بوب نوم: 14/05/2009